

مقدمه نهم در بیان آنکه از حضرت امیر المؤمنین
 خلیفه عباسی دو کت خلعت اولوالامری و منشور
 اذن و لوام بادشاهی بر سلطان عصر و زمان فیروز
 شاه السلطان با صد اعزاز و اکرام رسیده است
 و بادشاهی و اولوالامری خداوند عالم بدان
 استحکام گرفته

و از آنجا که باری تعالی بادشاه جهان سلطان العصر و الزمان فیروز شاه
 السلطان را در زبر ماییدان عنایت ازل در آورده است و ظل الله راستین
 افریده در مدت شش سال که اوایل عصر بادشاهی اوست و اینزه
 تعالی ملک و دولت او را و فرزندان او را دامن قیامت گیراند در کت
 از امیر المؤمنین خلیفه عباسی منشور اولوالامری و خلعت بادشاهی
 و لوام سلطنت بدر رسید و حق جل و علی بادشاه دین پرور دین پناه
 ما را در عزت داشت منشور و خلعت و لوام امیر المؤمنین و فرستادگان
 امیر المؤمنین توفیق بخشید و شرایط حرمت مرام امیر المؤمنین
 بالغاً ما بلغ بجای آورد و هم چنین دانست که منشور و خلعت
 امیر المؤمنین از آسمان منزل شده است و از درگاه مصطفی صلی
 الله علیه و سلم رسیده عرض داشتی با تحفه و هدایا در نهایت تواضع
 بقدگی امیر المؤمنین روان کرد و از مباحث مناشیر و برکات خلعتی
 خلیفه عباسی جمعاً را عیای عامه اهل اسلام تزیید پذیرفت و از
 بانیات اذن و اجازت هم زاده مصطفی صلی الله علیه و سلم فیض
 آسمانی در پی دیار متواتر منزل میگردند و ابواب بلاهای آسمانی از تحفظ

و بنا مستورد گشته است و از حسن اعتقاد و دین پروری و دین
پذایی پادشاه اسلام شرطیات از بلاد ممالک اربکایی دایع شده است
و دلهای خواص و عوام اهالی مملکت باطاعت و انقیاد و اخلاص
و دولت خواهی درگاه ارگراثیده و امن و امان تمام پدید آمده
و تشمت و نفوق و تردن و فرس از باطنها رفته و از آبادانی و عمرات
و کثرت زراعت و حرانت باغها و زرها جهان از سر ناز و شکفته
شده است و عالم نپوری بهشتی گشته و الحمد لله علی ذلک .

مقدمه دهم در بیان مبالغت فرمودن خداوند

عالم در امر شکار که آن رسم پادشاهی و از

خواص اوصاف پادشاهان عظام است .

و چند کورت که رایات اعلی را بر سمت هتیمی و عمرت می و کورت
اول بر سمت کوه که بر رسم شکار نهضت شد سبحان الله که اگر من در
وصف بسیدزری شکار و بدوع شکار و مباحث شکار سلطان العهد و الزمان
فیروز شاه السلطان اویزم و خواهم که چیزی مشرح و مفصل بنویسم مرا
شکار نامه فیروزشاهی باید پرداخت و در هجده صحیفه تصنیف باید کرد
و مدارمت شکار کردن و طرق طریق شکار چنانچه مبارز از سلطان عالم
پناه فیروز شاه مشاهده شد از هیج پادشاهی در دهلی نشده است
و اگرچه از استغراق سلطان شمس الدین در شکار نوشته اند و از علو
سلطان غیاث الدین بلبن در شکار آرد و جدا خود شنیده ام و از
رغبت و میل کردن سلطان علاء الدین خلجی در شکار چشم خود
دیده لیکن آن پادشاهان در چهار ماه زمستان شکار طیور کردند

و شکره کله دار و غیر کله دار را برانیدندسی فاما آنکه شکار سباع
 کند و هم شکار وحوش کند و هم شکار طایور کند و مال دوازده ماه
 بی شکار نتواند بود سلطان عالم پداه فیروز شاه نعمت که درین چند
 کرت که درین دیار مذکور برسم شکار نهضت فرمود نه شیران را در
 پیشه‌ها گذاشت نه گرگ و نیل گاو و کوزن و اهو را دران سرزمین
 رها کرد نه طایور را می بینم که در هوا می بود و بر سر آبی فرود
 می آید و از بسیاری گوشت شکاری از شکار گاه سلطانی فرزند شاهی
 لشکر گاه می رسید و قصابان از کشتن گاو و گوسفند مدتها بیکار
 مانده اند و می مانند و از فرور اشغال پادشاه عالم پداه امیر شکاران
 درگاه بدرتبی بزرگ سرانراز گشتند که در هیچ عهدی هیچکس
 معظم و مجید و مقرب و مکرم نبوده اند و عارضان شکره و خاص دران
 و مهتران و سایر شکره داران در نیاز و نعمت یکی شده اند و در
 هر همه نازها رسته و از عدد بیرون گرد آمده اند و تمامی میدان دار
 الملک در شکره خانه خاص چاکر شده اند و از برای شکره گاه خدایکانی
 که لا تعد و لا تحصی جمع شده است دایما جانور میبرند ایندند و اینست
 مذکور در شکارگاه سلطانی فیروزشاهی میخراپندن چنانچه بیت :

پیش تیرش اهلان را از بی زک و قبول

شیر خون کردن و خون شیران از رجا

پیش پتکان نه شاخش از برای سجده را

شیر چون شاخ کوزن پست را سازد درقا

می شدیم کز نه یسب ترس این شیرز صی

شیرگردن را اغذا یا غیث آمد ندا

مقدمه یازدهم در بیان آنکه در عهد همایون فیروز شاهی مزاحمت مغل چنگیز خان مسدود شده است

در همه اولو الایباب ممالک هند و سنند را مشاهده و معاینه شده است
که در عهد همایون فیروز شاهی در آمد مغل چنگیز خانی مسدود شده
است و نه ایشان را آملین بغارت و تهب سرحداتها میسر گشته است
و نه آنکه بر طریق هوا خواهی و اخلاص در می توانند آمد و نه مایه‌ای
فرار آن بهر بهانه می توانند ریبود و اگر در کرت جبرانی کردند و یک
کرت آب سودره را عبور کردند و در آن حدود آمدند بعضی لشکر اسلام
با آن مخالفین مقابل شد و از فتح و نصرت آسمانی که قرین اعلام
در است سلطان فیروز شاهی است بعضی از آن مخالفین گشته
شدند و بسی اسیر و دستگیر گشتند چنانکه اسیران را در شاخها در
کردن انداخته و بر شتران سوار کرده در دارالحکمت تشدید کردند و بعضی
از آن ملاحین در هنگام منبهم شدن و گریختن که دست از پا و انگم
از پاردم نمی شداختند و در آب سودره بوقت عبور کردن غرق شدند
و کرت دیگر که مغل قصد گجرات کرده بود و کورا کور در آن ولایت
در آمد بعضی از ایشان از بی آبی مردند و بعضی از لشکر اسلام
گشته شدند و بعضی از شبخون مقدیم گجرات تلف گشتند و در هم حمله
آن ملاحین چنگیز خانی کرد سرحداتها نگشتند و باریتعالی از مخالفین
فضل خود فتح و نصرت آسمانی قرین اسلام دولت بادشاه عالم پناه
سلطان عمرو زمان فیروز شاه السلطان خالد الله ملکه و سلطان
گردانیده است و در هر طرفی رایات اعلامی او بلندکن اودخ می آوند

مظفر و منصور میگردند و صنکة ضیاء بر فی موافق تاریخ فیروز شاهیم ،
 چون بذكر فتح و نصرت علم اسلام رسیدم تاریخ مذکور را اینجا رساندم
 آنچه در مدت شش سال از اخبار و آثار سلطان العهد و الزمان
 صابنده کردم باندازه دانش و زهد خود در بازده مقدمه نوشتم انشاء
 الله تعالی اگر بعد ازین حیاتم وفا کند و از اجل فرصتی یابم هر چه
 از اخبار و آثار سلطانی فیروزشاهی به بیستم مقدمات دیگر بر مقدمات
 مذکوره بیفزایم و در زمانه تاریخ فیروزشاهی درج کنم و اگر قضاء اجل
 در یابد اخبار و آثار و محاسن و مآثر خداوند عالم از آنهاست که نانوشته
 نماند و من در تالیف مذکور زحمت بسیار دیده ام از خدای عزوجل
 امید میدارم که زحمت دیده مرا ضایع ننخواهد گردانید و در قرآن
 مجید فرموده است ان الله لا یضیع اجر المحسنین و الحمد لله
 رب العالمین و الصلوة علی رسوله محمد و آله اجمعین •



تمام شد

MEMO.

The Preface to this work including a brief sketch, of the Author's life, and some notice of his History will appear in a separate form.

BIBLIOTHECA INDICA;
A.
COLLECTION OF ORIENTAL WORKS
PUBLISHED BY
THE
ASIATIC SOCIETY OF BENGAL.
New Series

تاریخ فیروز شاہی

THE TÁRIKHI FEROZ-SHÁHI.

OF

Ziaa al-Din Barni, commonly called Ziaa-i Barni.

Edited by

SAIYID AHMAD KHAN,

UNDER THE SUPERINTENDENCE OF

CAPTAIN W. NASSAU LEES, LL. D.

AND

MAWLAVI KABIR AL-DIN.

1862.

SINO 30465.